

Examining the relationship between the principle of "commitment to result" in compliance with the principle of "commitment by means" in achieving public health

Abstract

The principle of full and accurate compensation is one of the fixed principles of civil liability, but this seemingly simple principle also has its intricacies. In contrast to the conflicting legal texts in some countries, there is a new way of dividing the type of obligation, based on the provisions of the obligation, ie "commitment by means" and "commitment to the result". In the first type, the obligor is obliged to be careful and prepare, while in the obligation to the result, the subject of the agreement is included. Criteria have been set for its separation, and the subject matter has gathered pros and cons.

This research, which is of descriptive-analytical type and has been done by library-documentary method, seeks to answer the question that what is the role of the principle of commitment to the result in compliance with the principle of commitment in the realization of public rights? How can the principle of commitment to the result contribute to the development of civil rights and, consequently, to the general health of society? The result of the research shows that adhering to the principle of commitment to the result has a great effect on the realization of public rights and the institutionalization of citizenship rights and the stabilization of public health. You will see the details of the topics in the leading article.

Keywords: Citizenship rights, Community health, International law, Commitment by means, Commitment to result, Compensation

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، صص ۴۰۶۰-۴۰۴۳

بررسی نسبت اصل "تعهد به نتیجه" در تطبیق با اصل "تعهد به وسیله" در تحقق سلامت جامعه

عسکر جلالیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

چکیده

اصل جبران کامل و دقیق خسارت از اصول ثابت و مسلم مسئولیت مدنی است اما همین اصل به ظاهر ساده در باطن خود پیچیدگی‌هایی نیز دارد. در مقابل متون متعارض قانونی در برخی کشورها، شیوه جدیدی از تقسیم نوع تعهد، بر اساس مفاد تعهد وجود دارد، یعنی "تعهد به وسیله" و "تعهد به نتیجه". در نوع اول متعهد مکلف به احتیاط و تهیه مقدمات است در حالیکه در تعهد به نتیجه حصول نتیجه، موضوع توافق قرار گرفته است. برای تفکیک آن معیارهایی ارائه شده است و طرح موضوع، موافقان و مخالفانی را نیز به دور خود جمع کرده است.

این پژوهش که از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد و با روش کتابخانه‌ای - اسنادی صورت پذیرفته است به دنبال پاسخ به این سؤال است که اصل تعهد به نتیجه در تطبیق با اصل تعهد به وسیله چه نقشی در تحقق حقوق عمومی دارد؟ چگونه اصل تعهد به نتیجه می‌تواند به توسعه حقوق شهروندی و در نتیجه به سلامت عمومی جامعه کمک نماید؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد تمسک به اصل تعهد به نتیجه اثر بسیار وافر در تحقق حقوق عمومی و نهادینه شدن حقوق شهروندی و پایدار شدن سلامت عمومی جامعه دارد. تفصیل مباحث را در مقاله پیشرو ملاحظه خواهید فرمود.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی، سلامت جامعه، حقوق بین الملل، تعهد به وسیله، تعهد به نتیجه، جبران

خسارت

۱- درآمد سخن

عصر جهانی شدن به همان نسبت که دسترسی اشخاص برای خدمت به هم‌نوعان خود را تسریع و تسهیل بخشیده است به همان نسبت دسترسی اشخاص برای فرار از تعهد و مسئولیت را نیز تسهیل بخشیده است. رسانه‌های گروهی با امکان‌هایی که فراهم کرده‌اند به راحتی اشخاص فرصت طلب را نیز به راهکارهای مکرر و حيله تجهیز کرده‌اند تا بتوانند از مفاهیم حقوقی و مسئولیت‌های ذی ربط طفره بروند و از مسئولیت خود شانه خالی نمایند. (برای اطلاعات بیشتر در خصوص تاثیر رسانه‌های گروهی بر اشخاص ن. ک. : جلالیان، عسکر، (۱۳۹۶) ایل زکی، اعظم، حقوق بشر و امنیت فرهنگی تحت چالش ماهواره، انتشارات جنگل، تهران) تمسک به اصل تعهد به وسیله و مستدل ساختن آن با برخی آیات و روایات عمدتاً ذی مسئولیت‌ها از مسئولیت خود در قالب تعهد به نتیجه، شانه خالی می‌کنند و این نظم اجتماعی و حقوق شهروندی را دچار چالش می‌نماید. قواعد حقوقی که به منظور تنظیم روابط اجتماعی وضع گشته‌اند موضوعات متعددی را در بر می‌گیرند. با پیچیده و متعدد شدن روابط اجتماعی موضوعات حقوقی نیز متنوع می‌گردد که تعهد به عنوان مرکز ثقل روابط اجتماعی یکی از آن موضوعات می‌باشد. تعهد را به شیوه‌های گوناگون می‌توان موضوع مطالعه و بررسی قرار داد به نحوی که ایجاد رشته مستقل حقوقی تحت عنوان حقوق تعهدات انتظار نابجا و غیر معقولی نخواهد بود اما به جهت فایده‌ای که بر تقسیم تعهد از لحاظ مفاد آن و بررسی رفتار متعهد وجود دارد و از طرفی به لحاظ عدم انجام یک تحقیق مستقل در این خصوص، ضرورت تبیین آن احساس و بر این اساس ابتدا به مفهوم "تعهد به وسیله"^۱ و سپس "تعهد به نتیجه"^۲ که یکی از انواع تقسیم تعهدات می‌باشد پرداخته، به بررسی منشأ پیدایش این تمیز در فقه به عنوان پایه حقوق مدنی ایران از یک سو و یک نظام حقوقی بزرگ عصر حاضر از سوی دیگر خواهیم پرداخت. ملاحظه خواهد شد که در تعهدات فهری و قراردادی این تقسیم قابلیت اعمال خواهد داشت و با وجود ابهام در نحوه تمیز نوع تعهد و تطبیق آن با یکی از انواع تعهدات، مبانی و معیارهای متعددی ارائه می‌گردد و فوایدی که از این تقسیم بندی حاصل می‌گردد متعدد است تا جایی که فایده انجام تحقیق را نیز آشکار می‌گرداند بررسی نوع تعهد حاصل از هر یک از تعهدات معین یا غیرمعین در فقه، حقوق ایران و نتیجه‌گیری از بحث، اهمیت آن را با وصف گمنامی این اصطلاحات آشکار خواهد ساخت.

در «تعهد به وسیله» متعهد در حد امکانات و توان خود ملزم به تدارک حق ذی حق می‌گردد و باید وسایلی که متعهدله برای حصول نتیجه لازم دارد فراهم سازد. لذا متعهد مکلف به حفاظت است، و مقدمات کار

^۱ - Obligation Means

^۲ - Obligation to achieve a certain result

معین، تهیه می‌گردد و کوشش می‌شود تا در انجام کار، مراقبت می‌گردد و متعهد ضامن وصول نتیجه و غرض متعهدله نیست بلکه ملتزم می‌گردد تا وسیله رسیدن به نتیجه را فراهم کند. در هر صورت در اینگونه تعهدات متعهد انجام عملی را که فراهم کردن وسیله، اعمال دقت، بکارگیری اطلاعات علمی می‌باشد به عهده می‌گیرد به نحوی که مکلف می‌گردد در زمان و شرایط حاکم بر اجرای تعهد، همانند یک انسان متعارف، اقدام به اجرای تعهد نموده و رفتار و تلاش در این حد، اجرای تعهد و در مقابل عدم اجرای آن عدم اجرای تعهد تلقی می‌گردد اعم از اینکه منشأ تعهد ارادی باشد یا غیرارادی.

تعهد به نتیجه تعهدی است که متعهد ملزم به قراردادن نتیجه معین در اختیار متعهد له می‌باشد مانند تعهد راه‌آهن به رساندن مسافر به مقصد که در صورتی تعهد مزبور ایفا شده تلقی می‌گردد که مسافر به مقصد رسیده باشد و صرف قرار دادن وسیله سفر در اختیار مسافر یعنی تهیه مقدمات سفر موجب ایفاء تعهد نمی‌گردد زیرا در این موارد، اخذ نتیجه، منظور نظر متعهدله است اعم از اینکه تعهد به انجام کار یا ترک از انجام کار معین باشد. در این گونه تعهدات موضوع تعهد متعهد انجام کار معین است. متعهد به نتیجه باید، دقیقاً آن چه را که در قرارداد به عهده گرفته است انجام دهد و در صورتی که، نتیجه تعیین شده را در اختیار متعهدله قرار ندهد مسئول تلقی می‌گردد. زیرا متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق می‌باشد، در حالیکه در تعهد به وسیله، متعهد مکلف به تلاش به تدارک حق در حد توان می‌گردد. تعهد به نتیجه یک تعهد قطعی بوده و مقید به امکانات نیست. لذا در صورتی که تعهد مشخصی بر عهده متعهد قرار گیرد و نتیجه آن در گرو هیچ احتمال دیگری نباشد و متعهد بایستی نتیجه را ارائه نماید چنین تعهدی، تعهد به نتیجه نامیده می‌شود. چون تعهد متعهد، مشخص می‌باشد وی راه‌گزینی جز اجرای تعهد ندارد، اثبات بی‌تقصیری کفایت نمی‌کند بلکه در صورت عدم اجرای تعهد باید وجود قوه قاهره را به اثبات برساند و کافی نیست که متعهد کوشش و تلاش خود را به اثبات برساند بلکه یا باید نتیجه در اختیار متعهدله قرار گیرد یا دخالت یک عامل خارجی را در عدم تحقق نتیجه ثابت نماید.

اصطلاحات حقوقی مشابه در زبان‌های متعدد متفاوت است و همین امر غیر منطقی بودن انتظار وجود اصطلاح تعهد به وسیله و به نتیجه در فقه را به خودی خود آشکار می‌سازد. چنانچه در حقوق مصر نیز مؤلف کتاب ارزشمند الوسیط از اصطلاحات «التزام بالعناية» و «التزام بتحقیق الغایه» استفاده نموده‌اند بنا بر این جستجو به منظور دستیابی به اصطلاحات مزبور و سیرتاریخی آن در فقه ناامیدی را در پی خواهد داشت. برخی از کتب فقهی با تقسیم تعهدات به دو نوع «التزام حصری» و «التزام غیرحصری» آن را در مقابل تعهد به نتیجه و به وسیله قرار داده‌اند و در سایر موارد نیز در تعیین نوع مسؤولیت متعهد در جبران خسارت و اجرای تعهد مورد انتظار در تفکیک نوع تعهد بر اساس مفاد آن را بیان می‌دارند چنانچه این امر مورد تأیید حقوقدانان کشورمان نیز در تعهد ایمنی مربی‌شنا، در کودکان سپرده شده به آنان، واقع شده است. در کتب متعدد فقهی، مسؤولیت مستعیر در عاریه طلا و نقره از نوع به نتیجه خاص که تعهدی به بیش از تعهد به نتیجه معمولی است، دانسته

شده است. همین نوع تعهد برای کسانی که کالایی به آن‌ها سپرده شده تا اصلاح کنند، اما خراب می‌کنند، پیش‌بینی شده است. تا جایی که این امر به صورت یک قاعده در آمده است. اهمیت این مسأله زمانی آشکارتر می‌گردد که برخی از فقها نیت تعدی را تعدی دانسته و آن را موجب ضمان دانسته‌اند که نهایت شدت برخورد با متخلف از انجام تعهد را نشان می‌دهد. البته فقها این ضمان را بر مبنای اتلاف می‌دانند که با کمی تسامح می‌توان گفت بر خلاف تصور ابتدایی برخی از حقوقدانان است که تقسیم تعهدات به وسیله و به نتیجه را در قراردادهای مورد پذیرش قرار می‌دهند. اعمال آن در الزامات خارج از قرارداد، فقها را از مبدعان تقسیم تعهدات در ضمان قهری قرار می‌دهد. تعهد خیاط در تلف پارچه سپرده شده، حامل در تلف کالا از نوع به نتیجه است مستأجر باید به چهارپا علف بدهد و استاد کار حتی اگر حاذق و ماهر باشد و با تطبیق تعهد پزشک با استاد کار تعهد وی به نتیجه دانسته شده است. این در حالی است که بسیاری از حقوقدانان داخلی و خارجی تعهد پزشک را از نوع تعهد به وسیله می‌دانند. برخورد به اشد احوال با غاصب، حد اعلای تعهد به نتیجه است که سابقه فقهی آن بر کسی پوشیده نیست. در قبال این نوع تعهدات، ملایمت در برخورد با امین، تعهد به وسیله وی را نمایان می‌گرداند چنانکه تعهد امین به صراحت تعهد به حفاظت دانسته شده که از مصادیق تعهدات به وسیله است. لذا با وجود اینکه در فقه این اصطلاحات به صراحت نیامده است اما فقها به آن توجه داشته‌اند.

اصطلاحات تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه نفوذ قابل انتظاری در حقوق داخلی ایران نداشته است. در سال ۱۳۴۰ که کتاب حقوق مدنی مرحوم دکتر امامی به رشته تحریر در می‌آید در جلد اول و در شرح ماده ۲۳۴ قانون مدنی در تعهد شخص ثالث از «تلاش به تحصیل قبولی در حد متعارف» سخن گفته می‌شود ایشان همانند همتایان فرانسوی خویش به نحوی به تجزیه و تحلیل تعهد ثالث می‌پردازد که در بیان تعهد به وسیله از آن استفاده شده است. در سال ۱۳۴۳ تعهد مقاطه کار در ساختن پل از نوع به نتیجه دانسته شده و بعدها این مفاهیم تعریف و در سال ۱۳۵۸ نفوذ این اصطلاحات در حقوق داخلی ایران آشکارتر می‌گردد. گرچه برخی از این تقسیم‌بندی انتقاد کرده‌اند اما همین اقدام خود به طرح و گسترش بحث کمک کرده است. در دهه اخیر در بحث وکالت به تفضیل در این باره سخن گفته شده است. بحث در تجارت بین الملل نیز نفوذ می‌نماید چنان که در مبحث اخذ مجوز صادراتی توسط فروشنده یا خریدار نوع تعهد وی از نوع به وسیله یا به نتیجه دانسته شده است. به تدریج اندیشه تطبیق این مفاهیم با تعهدات دولت در زمینه حق رأی مردم و تهیه امکانات اقتصادی نیز نمایان می‌گردد. نهایتاً برخی از مؤلفین آن را در امور کیفری نیز در زمینه تعهدات قاضی در تفهیم اتهام، قابل اعمال می‌دانند. مبنای بروز این مسأله در حقوق ایران نیز می‌تواند مواد ۲۲۶ به بعد قانون مدنی در مبحث خسارت حاصله از عدم اجرای تعهد، باشد. زیرا ماده ۲۲۷ این قانون با کمی تغییر، مشابه ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه می‌باشد و مقرر می‌دارد که «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط کرد».

همان طور که ماده ۱۱۴۷ و ماده ۳۸۶ قانون تجارت مبنای تعهدات به نتیجه، دانسته شده، در حقوق ایران ماده مرقوم را می‌توان منشأ این گونه تعهدات دانست. در حالی که مواد ۲۲۶ و ۲۲۹ با تغییر مبنا به تعهدات به وسیله منطبق با ماده ۱۱۳۷ قانون مدنی فرانسه نزدیک می‌گردند. رویه قضایی ایران با پیروی غیرمستقیم از دیدگاه‌های حقوقی و با تأخیری قابل ملاحظه این اصطلاحات را مورد پذیرش قرار داده است. چنانکه در سال ۱۳۳۹ تعهد فروشنده ساختمان در تأمین و تهیه امتیاز برق برای آن از نوع به وسیله دانسته می‌شود. در سال ۱۳۸۵ در یکی از آراء صادره از محاکم استان مازندران به صراحت از این اصطلاح استفاده و تعهد خواننده به اخذ مجوز تأسیس شرکت تعاونی مسافربری برای سایر اعضاء شرکت از نوع به وسیله دانسته شده است. تعهد به نتیجه در تطبیق با تعهد به وسیله الزام بیشتری برای تحقق حقوق شهروندان به دنبال دارد. اصل تعهد هرچه گریزگاه‌های بیشتری برای آن متصور باشد متعهدین با ظرافت و تامل بیشتری از آن شانه خالی خواهند کرد. تعهد به نتیجه خاصه در عرصه‌های حقوق شهروندی، در عرصه‌های حقوق اجتماعی و حقوق عمومی می‌تواند به آرامش و امنیت خاطر بیشتری در متن جامعه، بیانجامد. تحقیق حاضر به دنبال تحلیل این موضوع است که چگونه و با چه تدابیری باید اصل تعهد به نتیجه بر اصل تعهد به وسیله ارجحیت یابد؟ این مهم چه نقشی در تحقق حقوق عمومی خاصه حقوق شهروندی دارد؟ و اینکه چگونه این اصل به توسعه و نهادینه شدن حقوق شهروندی و در نهایت به سلامت جامعه کمک می‌نماید؟

۲- معیارهای تعهد در قانون اساسی و رویه قضائی

برای بازشناسی تعهدات و تشخیص به وسیله یا به نتیجه بودن تعهد، نیازمند سنجه و معیار هستیم که با تطبیق این معیارها با مفاهیم و اصول حقوق عمومی می‌توان از آنها نیز در خصوص بازشناسی تعهدات دولت استفاده کرد.

اولین معیار تمییز در نوع تعهدات، تحلیل اراده طرفین است. در برگردان این اصل به ساحت حقوق عمومی و بر اساس اصول قرارداد اجتماعی باید قصد قانون‌گذار را جایگزین سنجه تحلیل اراده طرفین کرد. ظاهر نص قانون اساسی، مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و استعانت از سایر اصول قانون اساسی ما را در کشف مراد مقنن یاری می‌کند. ظاهر اصل سوم در بادی امر با گنجانیدن عبارت "امکانات موجود" در صدر آن، مفهوم تعهد به وسیله را در خصوص تعهدات دولت القا می‌کند؛ لکن ماهیت همه تعهدات مندرج در اصل سوم، متعهد به وسیله بودن را به ذهن متبادر نمی‌کند. گزاره "تحقق کامل حق‌ها" و عباراتی با این مفهوم، بیانگر متعهد به نتیجه بودن تعهدات است. (متیوسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰)؛ لذا حتی در نگاه ابتدایی به اصل سوم نیز برخی از بندها ذاتاً نمی‌توانند تعهد به وسیله باشند. گزاره‌های "طرد کامل استعمار"، "محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی"، "رفع تبعیضات ناروا در تمام زمینه‌ها"، "رفع فقر"، "برطرف ساختن هر نوع محرومیت" و "تأمین حقوق همه جانبه

افراد" رسانای مفهوم تحقق کامل حقیقت است که با متعهد به وسیله بودن دولت جمع نمی‌شود. مشروع مذاکرات، منبع دیگری برای کشف مراد مقنن است. تقسیم تعهدات دولت به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه در زمان تدوین پیش نویس قانون اساسی و حتی هنگام مذاکرات خبرگان قانون اساسی و تصویب متن قانون اساسی، مطرح نبوده و مشروع مذاکرات به نحو مستقیم نفیاً و اثباتاً این موضوع را ثابت نمی‌کند. از یک سو تأکید بر وظیفه ملت در تحقق اهداف مندرج در اصل سوم به نحو ضمنی بر به وسیله بودن تعهدات دولت دلالت می‌کند و از سوی دیگر تأکید بر هدف بودن و رد آرمانی بودن بندهای اصل سوم به نحو ضمنی بر به نتیجه بودن تعهدات دولت اشعار دارد. در این رابطه یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بیان می‌کند که آرمان به معنای هدف دور است؛ آرمان چیزی نیست که دولت بتواند در روز اول تأمین کند. وی با استبعاد از آموزش و پرورش رایگان و ارزان کردن ارزاق مردم به عنوان آرمان سخن می‌گوید. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۸۳) بنا بر این تفسیر تعهدات دولت به تعهد به وسیله در واقع مغایر با مذاق قانونگذار است؛ چرا که قانونگذار در متن پیش نویس اصل سوم جنبه آرمانی آن را نفی می‌کند و این امر نشان دهنده قصد و اهتمام ایشان بر تحقق کامل حق‌های مندرج در قانون اساسی علی‌الخصوص اصل سوم است.

از آنجا که نسبت اصل سوم به سایر اصول قانون اساسی نسبت اجمال و تفصیل است (همان، ص ۲۸۸)، سایر اصول قانون اساسی در تفسیر اصل سوم نقش بسزایی دارند. بر این اساس اگر کسی قایل شود که در ظاهر و به موجب عبارات صدر اصل سوم تعهدات دولت از نوع تعهدات به وسیله است که دولت باید حداکثر تلاش خود را برای نیل به آنها انجام دهد، اما اصل اصیل یکپارچه بودن قانون اساسی و یک "کل" بودن آن و بر اساس اصول دیگر قانون اساسی نشان می‌دهد که دست کم در برخی بندها تعهدات دولت تعهد به نتیجه است؛ برای نمونه اصل ۳۰ قانون اساسی در مورد آموزش و پرورش رایگان، به تعهد سنگین دولت و به نتیجه بودن تعهد مزبور اشاره می‌کند. اصل سی ام قانون اساسی مقرر می‌دارد: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

برای تکمیل معیار اول، معیار موضوع و نوع تعهد مدنظر قرار می‌گیرد. بر این اساس نوع و موضوع تعهد، مؤثر بر جنس تعهدات متعهدله می‌باشد. از این رو است که تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق مدنی و سیاسی تعهد به نتیجه و تعهدات دولت‌ها را در برابر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تعهد به وسیله دانسته‌اند. دولت‌ها برای تدارک حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس توانایی‌ها و امکانات خود عمل خواهند کرد. حقوق مدنی و سیاسی بر خلاف حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است به آسانی از سوی خود دولت‌ها و بر اساس مداخله آنان به مخاطره افتد؛ بنا بر این مسئله در حد امکانات

موجود که در حقوق اقتصادی و اجتماعی معنادار است، در این دسته از حق‌ها - حقوق مدنی و سیاسی - کمتر مطرح خواهد بود. به همین دلیل متعهد فرض کردن کشور به صورت مطلق - و نه به قید امکانات موجود - در حوزه حقوق مدنی و سیاسی معقول و پذیرفتنی است؛ حال آنکه متعهد دانستن آنها در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی بدون توجه به امکانات آنها امری است غیرعملی و حتی غیر معقول (قاری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵-۲۲۶). اگر این معیار را بپذیریم، اصل تفسیر تعهدات دولت به تعهدات به وسیله در اصل سوم متزلزل می‌شود که می‌تواند راهگشا باشد. تمسک به اصل تعهد به وسیله برای رفع مسئولیت در عرصه حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند اجرایی شدن و تحقق بسیاری از حقوق را در هاله‌ای از ابهام فرو ببرد. این امر سلامت روانی و اجتماعی جامعه را متزلزل می‌نماید.

هرگاه بخشی از سکان حرکت و اجرای تعهد بر عهده متعهدله باشد، عدم حصول نتیجه تماماً بر عهده متعهد نیست (ادیب، ۱۳۸۲، ص ۶۶). در واقع باید به نقش کنشگر و مؤثر توجه کرد. اصل بیست و نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک افراد کشور تأمین کند.

باید به تکالیف متعهدله در اجرای تعهد توجه داشت. بند ۴ (تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان)، بند ۸ (مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش)، بند ۱۳ (تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها) و بند ۱۵ (توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم) از تعهداتی است که لزوم نقش مردم در تحقق آنها نمایانگر است. افزون بر این که قابلیت یا عدم قابلیت متعهدله در تمییز نوع تعهد یاری رسان است؛ بدین توضیح که در اجرای بعضی از تعهدات، میزان توانایی و قدرت فراگیری متعهدله اثرگذار است که این امر موجب تعهد به وسیله شدن نوع تعهد متعهد، می‌شود. از این معیار در تشخیص تعهدات دولت در اصل سوم می‌توان یاری جست. هر چند شهید بهشتی پیشنهاد می‌کند که واژه «دولت» را در صدر اصل بیاورند تا از این رهگذر ملت را نیز در بر گیرد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۹۲)؛ اما ظاهر واژه «دولت» رساننده این مفهوم نیست. به علاوه واگذاری اجرای برخی از بندهای این اصل به ملت غیرمعقول می‌نماید؛ زیرا در قوانین هیچ سازوکار اجرایی برای انجام تعهدات توسط مردم پیش بینی نشده و در پاره‌ای موارد این واگذاری درست نخواهد بود. افزون بر اینکه انجام برخی تعهدات به تصویب قانون و مقرر نیازمند است که به هیچ عنوان مردم به

صورت مستقیم در تحقق آن نقش ندارند. بند ۳ (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی)، بند ۷ (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون)، بند ۱۰ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور)، بند ۱۱ (تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور)، بند ۱۲ (پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه) و بند ۱۴ (تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) در اصل سوم، بیانگر تعهداتی است که تحقق آنها تنها در ید توانمند دولت است و شهروندان توانایی و قدرت فراگیر انجام آنها را ندارند. در واقع موازنه قدرت و امکانات و توانایی‌ها به سمت دولت بسیار سنگین‌تر است؛ به نحوی که نقش غیر فراگیر مردم قابل چشم پوشی است؛ لذا محکوم کردن ملت در عدم تحقق موارد تعهدات دولت در اصل سوم، امر غیرمنطقی است؛ بنا بر این نمی‌توان برخی از بندهای اصل سوم نظیر بندهای فوق‌الذکر را تعهد به وسیله دانست. این استدلال به خوبی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اگر دولت بخواهد به راحتی می‌تواند با تمسک به اصل تعهد به وسیله از وظایف خود شانه خالی نماید. مضافاً اینکه عمده نقض‌ها چه در حوزه حقوق شهروندی و چه در حوزه حقوق عمومی متأسفانه توسط دولت‌ها صورت می‌پذیرد. لذا تنها چاره، الزام دولت‌ها به انجام تکالیف خود در ارجحیت دادن به اصل تعهد به نتیجه در تطبیق با اصل تعهد به وسیله، می‌باشد و این ضامن سلامت روان و امنیت جامعه و تحقق حقوق شهروندی خواهد بود. بدیهی است دولت‌ها اگر تحت الزام قرار نگیرند در تعدی به حقوق شهروندان و متاثر ساختن روابط اجتماعی، حد یقفی نخواهند داشت. (برای آگاهی بیشتر از کم و کیف تعدی دولت‌ها و نهادهای عمومی به حقوق شهروندان ر. ک. : جلالیان، عسکر، (۱۳۹۶)، یزدانی، زهرا، حقوق شهروندی و روابط اجتماعی در تراکم شهری، انتشارات جنگل، تهران)

همچنان که رویه‌های قضایی در حوزه حقوق خصوصی می‌تواند نقش مؤثری در تعیین نوع تعهد به منظور اجرای عدالت داشته باشد (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۲۱)، به همین ترتیب مقامات رویه‌ای در حقوق عمومی می‌توانند چنین نقشی را در خصوص متون و نصوص مربوطه ایفا نمایند. با بررسی دیدگاه‌های شورای نگهبان، به عنوان مقام رسمی مفسر قانون اساسی، در رابطه با اصل سوم و استناد به آن، به این نتیجه می‌رسیم که شورای نگهبان به بندهای ۳ (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی)، ۹ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) و ۱۰ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور) در اصل سوم در موارد متعددی استناد کرده است (فتحی، ۱۳۹۳). هر چند رویه شورای نگهبان مبنی بر الزام‌آور بودن بندهای اصل سوم بیشتر منصرف به بندهای «۱۰»، «۹» و «۳» است، ولی می‌توان انتظار داشت که این دیدگاه،

بندهای دیگری را نیز شامل گردد. دلیل این تفسیر شورای نگهبان در بندهای ۹ و ۱۰ آن است که از منظر آنان این دو بند مستقیماً در بقیه اصول قانون اساسی تبیین نشده و مورد تصریح قرار نگرفته‌اند (رحمانی، علی و فتاحی زفرقندی، علی، ۱۳۹۵، ص ۱۴)؛ اما به هر حال همین نگاه شورای نگهبان در همین بندها نیز نشان می‌دهد که می‌توان تفاسیری مبتنی بر تعهد به نتیجه در اصل سوم داشت و لزوماً اصل سوم به طور کلی و در تمام بندها تعهدات به وسیله نیستند.

۳- واریسی ایده "تعهد به نتیجه" در اصل سوم قانون اساسی و نسبت آن با سلامت جامعه

هر چند در یک تقسیم بندی کلی تعهدات را به دو دسته تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله تقسیم می‌نمایند، به نظر می‌رسد در حوزه حقوق عمومی و طیف بسیار بزرگ تعهدات دولت، نباید به این تقسیم بندی وفادار ماند؛ این تفاوت گذاری بی سابقه نیست و می‌توان مشابه این مبحث را در حوزه صلاحیت در حقوق عمومی و اهلیت در حقوق خصوصی یا وکالت در حقوق مدنی و نمایندگی در حقوق عمومی پیدا نمود (ر.ک: حبیب نژاد، ۱۳۸۵). می‌توان دسته سومی از تعهدات را شناسایی کرد که طیفی از هر دو نوع تعهد را دارا است؛ یعنی در حالت‌های مختلف ماهیت این نوع تعهدات تغییر می‌کند. این تقسیم بندی ابتدایی وام گرفته از مباحث حقوق تعهدات در حقوق خصوصی است؛ اما ورود و بکارگیری آن در حقوق عمومی مستلزم رعایت اصول و مؤلفه‌های حوزه مقصد است. باید توجه داشت که تعهدات دولت‌ها امری سیال است و بسته به گذر زمان و مطالبات مردم و توانایی‌ها و امکانات دولت در چهارچوب اصول ثابت و اساسی یک نظام سیاسی تغییر می‌کنند. به تناسب گذر زمان و تغییر شرایط و اوضاع و احوال جامعه، لازم است تعهدات دولت بازبینی و بازتعریف شود. چه بسا تغییر شرایط و بازشناسی معیارها و ویژگی‌های تعهدات دولت منجر به تغییر ماهیت تعهدات شود؛ همچنان که در اصل ۴۴ قانون اساسی این گونه شد و ضرورت‌های زمان باعث گردید تفسیری از اصل ۴۴ - اصل بر خصوصی سازی اقتصاد - ارائه شود که با منطوق اصل ۴۴ - اصل بر دولتی بودن اقتصاد - فاصله دارد. در حقوق خصوصی نیز تعهداتی که تعهد به وسیله دانسته شده، به صورت همیشگی در دایره تعهد به وسیله قرار نمی‌گیرد، بلکه امکان تغییر تعهد وجود دارد؛ چنان که تعهد امین، تعهد به وسیله دانسته شده است؛ اما این تعهد تا قبل از مطالبه است و پس از مطالبه و بروز امتناع یا انکار، تعهد وی به نتیجه تبدیل می‌شود؛ همین گونه است در صورت تعدی یا تفریط. پس تعهد به وسیله در تمامی شرایط و به صورت دائمی در همه سیر زمانی در یک موضوع، ثابت نیست. از این بحث می‌توان جهت اثبات "ثابت نبودن تعهدات دولت" در گذر زمان و تغییر شرایط، استفاده کرد؛ با این توضیح که در ساحت حقوق عمومی نیز ما شاهد قراردادی هستیم میان دولت و شهروندان که به قرارداد اجتماعی معروف است، این قرارداد اجتماعی اغلب توسط یک متن نوشته به نام قانون اساسی میان طرفین قرارداد، یعنی دولت و ملت تجلی می‌یابد. به موجب قانون اساسی حقوق و تعهداتی برای طرفین قرارداد تعبیه

می‌گردد. متناظر این امر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم یک سری تعهدات را بر ای دولت مقرر می‌کند. هر چند حقوقدانان اغلب تعهدات دولت مندرج در اصل سوم را تعهد به وسیله می‌دانند، اما اکنون پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی و استقرار نظام سیاسی و توانمندتر شدن متعهد (دولت) با لحاظ وجود امکانات و منابع کافی و امکان بهره برداری از آنها، باید تغییر تعهدات دولت از تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه را ممکن و صواب دانست که مشابه آن در "تغییر اوضاع و احوال و شرایط تعهد/ قرارداد" در قراردادهای خصوصی وجود دارد. قائلان به وسیله بودن تعهدات دولت نیز به این مسئله اذعان دارند و در خصوص تعهدات دولت‌ها که متصف به وصف به وسیله بودن است، بیان کرده‌اند که با توجه به سطح توسعه هر کشور و تحولات موازین بین المللی باید قائل بر آن شد که این اصول و اهداف، رفته رفته جنبه عینی‌تری یافته و جزء "تعهدات به نتیجه" قرار می‌گیرد (وکیل و عسکری، ۱۳۹۱، ص ۵۵)؛ برای نمونه تعهد دولت در اصل سوم در "آموزش و پرورش رایگان" گاهی در فضای اول انقلاب و نبود امکانات و ایام جنگ بررسی می‌شود که می‌توان این تعهدات را تعهد به وسیله دانست؛ ولی در فضای آرام‌تر کنونی و بعد از گذشت بیش از چهل سال از انقلاب نمی‌توان همچنان تعهد را به وسیله دانست و باید آن را تعهد به نتیجه قلمداد نمود؛ تحقق این مهم بر سلامت روان جامعه بسیار فراوان خواهد بود. باید بیان داشت که بی‌اعتنایی به واقعیت‌های اجتماعی از معایب پافشاری بر تفسیر لفظی است. اعتقاد به منبعی خارج از قانون یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است تا حقوقدان منطقی و پایبند به قانون نیز بتواند عطش دستیابی به عدالت را تسکین ببخشد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). در تفسیر متون حقوق عمومی و حقوق بشری باید مفاهیم و واژگان به نفع حقوق و آزادی شهروندان و توسعه آن تفسیر گردد و تا جایی که ممکن می‌باشد، نباید تفسیری ارائه نمود که به نفع بیشتر شدن غیر منطقی قدرت دولت و محدودیت بیشتر حقوق و آزادی‌های شهروندان گردد. (Loveland, ۲۰۰۹, pp. ۶۷-۶۹) اصل "تفسیر به نفع شهروندان"^۱ یکی از مهمترین اصول حاکم بر تفسیر متون حقوق عمومی است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: همان، ۱۳۹۵، ص ۶۷-۷۰) که در عین حال مکمل برگردان معیار اراده طرفین به جای قصد قانونگذار جهت تمییز نوع تعهد نیز می‌باشد. تفسیر تعهدات دولت در اصل سوم قانون اساسی به تعهدات به نتیجه تأمین‌کننده این اصل حاکم بر تفسیر متون حقوق عمومی است. ذکر این مسئله نیز لازم است که از همان ابتدای مباحث علمی در خصوص تعهدات، این تقسیم‌بندی در مورد تعهد به نتیجه و وسیله مورد انتقاد بود (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷)؛ اما ورود این مفاهیم به اصطلاحات حقوقی، به طرح و گسترش بحث کمک کرد. دکتر قاری در باب تبیین مفهوم "تعهد به نتیجه" در ظرف حقوق بشر پس از بازتعریف دو نوع تعهد به "تعهد به انجام عمل" در صورت داشتن توان و "تعهد به تدارک امکانات" و بکارگیری توان برای فراهم کردن آن، بیان می‌کند که به نظر می‌رسد تفکیک مألوف قابل تسری به تعهدات دولت‌ها نباشد

^۱ - Interpretation for the benefit of citizens

و به نظر می‌رسد شایسته است تمامی تعهدات دولت‌ها را اعم از تعهداتی که لازمه حقایق اقتصادی و اجتماعی شهروندان یا حقایق مدنی و سیاسی آنان است، از نوع دوم دانست (قاری، ۱۳۸۸، ص ۴۵). از مؤیدات این دیدگاه تحلیل جدیدی است که از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها ارائه می‌گردد. در این دیدگاه و مطابق اسناد بین الملل تعهدات دولت‌ها در قبال حقایق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سه سطح قابل تحلیل است: تعهد به احترام^۱، تعهد به حمایت^۲ و تعهد به ایفا^۳. تعهد به احترام دولت را ملزم می‌کند که از مداخله بپرهیزد. تعهد به حمایت بیانگر پشتیبانی و حمایت دولت از حقوق در برابر دیگران است. تعهد به ایفا دولت را ملزم می‌سازد اقدامات ضروری برای تضمین برآورده شدن نیازهای فرد که با تلاش خود فرد قابل تأمین نیست، اتخاذ کند. به نظر می‌رسد "تعهد به ایفا" رابطه نزدیک‌تری با "تعهد به نتیجه" دارد. قصور در عمل به یکی از این سه نوع تعهد، موجب نقض حقوق میثاقین می‌شود. همچنین در یک مدل پیشنهادی در باب تعهدات دولت در قبال حقوق بنیادین، تعهدات دولت را به تعهد به جلوگیری از محرومیت، حمایت در برابر محرومیت و کمک به محرومیت زدایی تقسیم کرده‌اند. اتخاذ راهبردهای الزام‌آور برای سودهی دولت‌ها به سمت نگاه مسئولیتی "تعهد به ایفا" و "تعهد به نتیجه" مستقیماً سلامت جامعه در ابعاد روانی، اجتماعی و امنیتی را تعمیق و توسعه خواهد داد.

فایده تشخیص، قلمرو شمول تعهدات، تأثیر متقابل این دو بر هم و امکان پیش‌بینی نتایج حاصل از تعهدات و حدود تعهدات در هر یک از موارد می‌باشد. اما در امکان تطبیق اتفاق نظر وجود ندارد: در فقه همانگونه که ملاحظه شد فقها هم در تعهدات قراردادی و هم در ضمان قهری به بررسی میزان و شدت مسئولیت متعهد پرداخته‌اند. در بین حقوقدانان فرانسه برخی این تقسیم بندی را در قراردادهای قابل اعمال می‌دانند و دلیل آن را تأثیر اراده طرفین در تعیین نوع تعهد و امکان تمییز نوع تعهد بر اساس ارزیابی اراده طرفین دانسته‌اند گرچه بی‌توجه به تعهدات قانونی و مشکل مربوط به عدم وجود اراده در تعهدات ایجاد شده توسط رویه قضایی نبوده‌اند. دیگران نیز ضمن تأکید بر تطبیق تعهدات با تعهدات قراردادی این تقسیم را در احراز تقصیر مؤثر دانسته‌اند. به عکس به لحاظ عدم حصول قناعت وجدانی ناشی از بعضی استدلال‌ها و ملاحظه به نتیجه و یا به وسیله بودن برخی از تعهدات ناشی از ضمان قهری برخی از حقوقدانان به صراحت اعلام داشته‌اند که این تعهدات فقط در قراردادهای اعمال نمی‌شود. بعدها سایرین نیز با نگارش کتب حقوقی در زمینه مسئولیت مدنی و طرح بحث تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه کاملاً بر قابلیت اعمال آن در ضمان قهری صحه گذاشته‌اند. رویه قضایی فرانسه نیز در موارد متعدد تعهدات مزبور را در ضمان قهری و قراردادهای اعمال کرده است. در حقوق داخلی ایران بر عکس رویه حاکم بر حقوق فرانسه، جای طرح و نقد کامل تعهد به وسیله و تعهد به

^۱ - Commitment to respect

^۲ - Commitment to support

^۳ - Commitment to play

نتیجه در قواعد عمومی تعهدات و مسؤولیت مدنی دانسته شده است. اما مجموع بررسی‌های انجام شده تمایل عمومی به قابلیت اعمال تقسیم بندی بر هر دو نوع تعهد را تأیید می‌نماید. اکثر حقوقدانان به هر دو زمینه توجه داشته‌اند. هر جا که لازم دیده‌اند به تقسیم تعهدات به قهری و قراردادی بپردازند از تعهدات به وسیله و به نتیجه نیز یاد نموده‌اند. اما اکنون می‌دانیم که پاره‌ای از تعهدهای قراردادی نیز ناظر به تهیه وسایل و کوشش در راه رسیدن به نتیجه است همچنان که بعضی الزام‌ها نیز به نتیجه نظر دارد مانند الزام غاصب و الزام به حفاظت از اتومبیل. به این ترتیب می‌توان به یقین ادعا کرد که هر جا سخن از تعهد است، قابلیت تطبیق با تعهدات موضوع بحث را دارد. لذا موضوع تاثیر بسزایی در تعیین نوع تعهد دارد. با این وصف تعهد دولت در مفاد ذیل اصل سوم قانون اساسی در زمره تعهد به نتیجه احراز می‌گردد.

۳-۱- معیار تقسیم تعهدات

با توجه به اثری که تفکیک و تمییز تعهدات خواهد داشت چگونه می‌توان تشخیص داد که تعهد از نوع به وسیله است یا به نتیجه؟ پس باید به دنبال معیاری بود، در صورتی که معیارها قادر به ارائه طریق نباشند اصل بر کدام نوع تعهد می‌باشد؟ و چه اثری بر این تلاش مترتب است و نهایتاً آیا این تقسیم بندی پذیرش همگانی دارد یا خیر؟

۳-۱-۱- تبیین اراده اطراف قرارداد

در تعهدهای قراردادی طرفین به منظور حصول هدف معین تصمیم به انعقاد قرارداد می‌گیرند و هم آنها هستند که نوع تعهد را مشخص می‌سازند پس باید برای تمییز نوع تعهد اراده آنان را کشف کرد. لذا تمییز دو تعهد مستلزم تحلیل روانی دو طرف است و اینکه در کدام قرارداد تعهد به نتیجه شده است و در کدام تعهد به وسیله؟ تمییز تعهد بر اساس تحلیل اراده طرفین آسان و قابل دسترس است اما به لحاظ عدم ابراز اراده یا آشکار نبودن آن در برخی موارد و مهمتر از همه این که، همه تعهدات جنبه قراردادی ندارند، کمکی به تمییز تعهدات و کشف به وسیله یا به نتیجه بودن در تمام تعهدات نمی‌نماید.

۳-۱-۲- موضوع مورد تعهد

بسته به اینکه موضوع تعهد چه باشد در به وسیله یا به نتیجه بودن آن مؤثر است. چنانکه تعهد به پرداخت باشد تعهد به نتیجه است در حالی که تعهد به احتیاط و مراقبت تعهد به وسیله است. از لحاظ موضوع ممکن است تعهد قراردادی یا غیر قراردادی، تعهد به فعل یا ترک فعل، تعهد به کار معین یا نامعین باشد. بر این اساس اکثر تعهدات قراردادی به نتیجه و اکثر الزامات خارج از قرارداد از نوع به وسیله است زیرا قانون کمتر انجام کار معین را به عهده اشخاص قرار می‌دهد. از طرفی تعهد به انجام کار اکثراً به نتیجه هستند و تعهد به ترک فعل یا منفی از نوع به وسیله و اصولاً تعهد معین از نوع به نتیجه و تعهد کلی و کار نامعین از نوع به

وسیله است. این معیار نیز کامل نیست و مشخصاً مواجه با ابهاماتی است زیرا تعهد به ترک فعل به نتیجه نیز است.

۳-۱-۳- فرض احتمال در نتیجه تعهد

چنانچه حصول نتیجه ناشی از اجرای تعهد احتمالی باشد متعهد نخواسته است که به یک نتیجه معین وعده دهد بلکه تنها متعهد شده است با بکارگیری وسایل مناسب به آن دست یابد. متعهدله نیز به نوبه خود برخی احتمالات خسارت را پذیرفته است.

بر این اساس در صورتی که نتیجه مورد نظر متعهدله بدون دشواری قابل دسترسی باشد تعهد ناظر به نتیجه است و در صورت تأثیر احتمال در حصول نتیجه تعهد به وسیله است.

۳-۱-۴- سهم متعهدله در تحقق تعهد

هر گاه بخشی از سکان حرکت و اجرای تعهد بر عهده متعهدله باشد عدم حصول نتیجه تماماً بر عهده متعهد نیست حقوقدانان فرانسوی این معیار را برای کشف اراده طرفین در فهم نوع تعهد ارائه کرده‌اند که خود بر احتمالی شدن نتیجه به لحاظ دخالت متعهدله در اجرا می‌افزاید.

۳-۱-۵- ظرفیت متعهدله

در اجرای بعضی از تعهدات میزان توانایی و قدرت فراگیری متعهدله مؤثر است یعنی باید اجرای آن را پذیرفته باشد که این امر موجب به وسیله شدن نوع تعهد متعهد می‌گردد. نوع قرارداد مطابق این معیار، نوع قرارداد برای تمیز نوع تعهد مؤثر است. اگر متعهد به تعهدی ملزم گردد که در دسته تعهدات ایمنی قرار می‌گیرد تعهد وی از نوع به وسیله است و بر عکس تعهدات مربوط به حمل و نقل اشیاء از نوع به نتیجه است.

۳-۱-۶- معیار مبتنی بر انصاف

رویه قضایی نیز می‌تواند نقش مؤثری در تعیین نوع تعهد به منظور اجرای عدالت داشته باشد. چنان که در حقوق ایران تعهد فروشنده ساختمان به تهیه امتیاز برق با وجود به نتیجه بودن، به وسیله تلقی شده و در حقوق فرانسه در موارد بی‌شمار در مورد تعهد تصمیم‌گیری شد.

۳-۱-۷- کم و کیف خطرات منبث از فعل

در صورتی که تعهد به امری گردد که خطرات زیادی برای متعهدله داشته باشد، متعهد باید مراقب بیشتری در انجام تعهد نماید چنان که تعهد مربی ورزش در آموزش شنا برای خردسالان در فقه تعهد به نتیجه دانسته شده است اما همین نوع آموزش برای بزرگسالان تعهد به وسیله است.

بر مبنای اینکه بار اثبات تعهد به عهده چه کسی باشد نوع تعهد تغییر می‌کند گرچه تحمل بار اثبات از نتایج تفکیک تعهدات می‌باشد اما برخی از مؤلفان فرانسوی با تحلیل آراء قضایی این کشور و با توجه به بار اثبات به تفکیک نوع تعهد پرداخته‌اند که بر این اساس در صورتی که وظیفه اثبات تعهد و عدم اجرا به عهده متعهد باشد تعهد از نوع به وسیله و چنانچه وظیفه اثبات علت عدم اجرا و انتساب آن به عامل خارجی به عهده متعهد باشد تعهد از نوع به نتیجه می‌باشد. به این ترتیب گرچه هر یک از معیارهای بیان شده به تنهایی دارای ایراداتی می‌باشند اما به سهم خود مؤثر در تعیین نوع تعهد می‌باشند و با در نظر گرفتن تمام معیارها باید نوع تعهد را احصاء کرده و چنانچه با هیچ یک از معیارهای فوق نتوان نوع تعهد متعهد را تشخیص داد باید تعهد را ناظر به فراهم ساختن وسایل رسیدن به نتیجه یعنی تعهد به وسیله فرض کرد زیرا حداقل تعهد بر مبنای اصل عدم زیادت قابل اعمال خواهد بود؛ می‌توان گفت حداقل در تعهدات قراردادی، اصل بر این است که متعهد تعهد به نتیجه دارد مگر در موارد استثنایی که تعهد او تعهد به وسیله است (مثل تعهد وکیل یا پزشک). نباید فراموش کنیم این اصل در خصوص تعهدات دولت قابل صدق نیست زیرا دولت دارای قدرت جرح و تعدیل عوامل می‌باشد.

۳-۲- فایده تفکیک و تقسیم تعهدات

تمامی تلاش‌های پیش از این در تفکیک نوع تعهد به «تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه» به منظور دستیابی به فواید حاصل از آن بوده است. در بحث اثبات ادعا، عمده‌ترین مسأله این است که چه کسی باید دلیل ارائه کند در این صورت نوع تعهد در تحمیل بار اثبات مؤثر است و اهمیت فراوان دارد. در تعهدات به نتیجه، کافی است متعهد نشان دهد نتیجه مطلوب بدست نیامده است. عدم تحقق نتیجه کفایت عدم وفا به عهد را می‌نماید و این متعهد است که باید در جهت اثبات اجرا و یا انتساب عمل به قوه قاهره اقامه دلیل نماید. ماده ۲۲۷ قانون مدنی کشورمان مشابه ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه بر همین مبنا وضع شده است. در تعهد به وسیله یا تعهد به مواظبت و کوشش برای اثبات عهد شکنی و گرفتن خسارت، متعهدله باید کوتاهی، غفلت و در نتیجه تقصیر متعهد را به اثبات برساند و صرف محروم ماندن از نتیجه کافی نیست.

در صورتی که بررسی رفتار متعهد یکی از ارکان اثبات مسؤلیت شمرده شود در این صورت تفکیک تعهد معیار مناسبی برای این ارزیابی تلقی می‌گردد زیرا در تعهد به وسیله باید بررسی گردد متعهد آن گونه که شایسته بود رفتار کرده است یا خیر در حالیکه در تعهد به نتیجه این بررسی ضرورت ندارد. در فقه نیز در مبحث ودیعه چنانچه انجام کار معین «تعهد به نتیجه» بر عهده امین قرار نگیرد اثبات تعدی و تفریط ضروری شناخته شده است.

اصحاب دعوی ممکن است در طرح دعوی مشکلات عدیده‌ای داشته باشند اثبات حصول و یا عدم حصول نتیجه مورد انتظار از مشکلات اساسی طرح دعوی است با تمییز تعهدات، دادگاه‌ها نیز به آسانی متوجه می‌گردند که، هدف مورد نظر طرفین حاصل شده است یا خیر؟ با وجود فواید آشکار برای این تفکیک انتقاداتی نیز نسبت به آن به عمل آمده و عدم ایجاد دسته‌های همگون، مبهم بودن معیار تفکیک نزد محاکم، غیرواقعی بودن تفکیک و القایی و تلقینی بودن آن و نداشتن هیچ فایده عملی و اصالت نداشتن و کافی نبودن برای اثبات از عمده‌ترین اشکالات وارد بر این دسته‌بندی نام برده شده. لیکن با وجود مستدل بودن برخی از ایرادات، در حقوق فرانسه غلبه با کسانی است که طرفدار تقسیم هستند و در ایران نیز نمی‌توان از مزایای آن غافل شد و حرکت رو به جلو نظریه حاکی از این است که برخی مخالفت‌ها نتوانسته مانع از گسترش آن در نظام حقوقی گردد.

۴- برآمد سخن و پیشنهاد

آنچه ذیل سه تیر اصلی مقاله شرح و بسط گردید مشخص شد تقسیم تعهدات به صرفاً دو نوع تعهد، کفایت نمی‌کند. عمده تعهدات دولت در قالب تعهد به وسیله تفسیر شده و این به نهادینه شدن حقوق شهروندی و توسعه و تعمیق سلامت جامعه، آسیب می‌زند. همانطور که در اصل سوم قانون اساسی تصریح شده مواد ۱۶ گانه ذیل آن نشان می‌دهد در دوران ثبات و گذشت بیش از ۴ دهه از انقلاب اسلامی دولت باید به وظایف خود با دید حصول نتیجه نگاه کند نه صرفاً با دید انجام وظیفه و رفع تکلیف. هر قدر نگاه تکلیفی به وظایف دولت جدی‌تر باشد حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی و سلامت جامعه ظهور و بروز بیشتری خواهد داشت. شاید با تقسیم بندی زیر بتوان گام کوچکی در راستای تحقق سلامت جامعه برداشت:

الف: تعهد به وسیله خفیف؛ مثال: تعهد مالک در حفظ اموال خود

ب: تعهد به وسیله معمولی؛ مثال: رفتار متعارف افراد در اکثر تعهدات

ج: تعهد به وسیله شدید؛ مثال: تعهد مربیان ورزش خصوصاً آموزش جسمانی

د: تعهد به نتیجه خفیف؛ مثال: همان تعهد به وسیله شدید

ه: تعهد به نتیجه معمولی؛ مثال: تعهد متصدی حمل و نقل

و: تعهد به نتیجه شدید؛ مثال: تعهد غاصب

اما تدبیر جدی برای تبلور تمام تعهدات در تعهد به نتیجه و یا نزدیک به آن جزء ضروریات است و قانونگذار باید برای آن تدبیر نماید. به علاوه از مقنن انتظار تهیه مقرراتی به منظور تعریف، تفکیک و تعیین مصادیق، ارائه اصل در صورت ابهام در تمییز نوع تعهد، امکان یا عدم امکان تبدیل نوع تعهد به وسیله یا به نتیجه و تأثیر عوامل دیگر بر نوع تعهدات، می‌رود و جای طرح آن نیز به صورت کلی در مواد ۲۲۱ به بعد قانون مدنی و به صورتی جزئی در ذیل هر یک از عناوین عقود معین می‌باشد. پرواضح است در تعهدات به وسیله

و به نتیجه شخص متعهد است که باید ادله رافع مسئولیت ارائه نماید زیرا طبق قرارداد متعهد بودن وی محرز است. بر اساس اصل "البینه علی المدعی" متعهد است که باید رفع مسئولیت خود را اثبات نماید. با تمسک به این اصل می‌توان مسئولیت دولت در حوزه حقوق شهروندی را از نوع تعهد به نتیجه احراز نمود و دولت برای رفع مسئولیت خود باید ادله ارائه نماید.

منابع و مأخذ

منابع فارسی:

- ۱- ادیب، مجید، اصول مسئولیت مدنی، نشر میزان، (۱۳۸۲)، چاپ اول.
- ۲- اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی، انتشارات شهر دانش، (۱۳۷۹)، چاپ اول.
- ۳- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامیه، (۱۳۷۰)، چاپ هشتم.
- ۴- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، نشر میزان، (۱۳۷۸)، چاپ اول.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، (۱۳۶۸)، چاپ چهارم.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، (۱۳۷۸)، چاپ اول.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، (۱۳۷۸)، چاپ سوم.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایرةالمعارف عمومی حقوقی، الفارق، جلد دوم، گنج دانش، (۱۳۸۶)، چاپ اول.
- ۹- جلالیان، عسکر، ایل زکی، اعظم، حقوق بشر و امنیت فرهنگی تحت چالش ماهواره، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۶.
- ۱۰- جلالیان، عسکر، یزدانی، زهرا، حقوق شهروندی و روابط اجتماعی در تراکم شهری، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۶.
- ۱۱- حبیب نژاد، سید احمد، مجلس خبرگان مشروعیت و وظایف و اختیارات، کانون اندیشه جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- ۱۲- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، (۱۳۸۲)، چاپ دوم.
- ۱۳- عسکری پوریا، وکیل امیرساعد، نسل سوم حقوق بشر: حقوق همبستگی، تالیف، انتشارات دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- ۱۴- قهرمانی، نصرالله، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، دادگستر، (۱۳۸۴)، چاپ دوم.

- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، دادگستر، (۱۳۷۹)، چاپ اول.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۱ تا ۵، گنج دانش، (۱۳۷۹)، چاپ پنجم.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، ج ۱، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸)، چاپ دوم.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، دوره ۵ جلدی، انتشارات بهنشر، (۱۳۶۶)، چاپ اول.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، نشر دادگستر، (۱۳۷۹)، چاپ چهارم.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، عدالت قضایی، گزیده آراء، نشر دادگستر، (۱۳۷۸)، چاپ اول.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، دادگستر، (۱۳۸۴)، چاپ سوم.
- ۲۲- متیوسی. آر. کریون؛ مترجم: محمد، حبیبی مجنده، چشم اندازی به توسعه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موسسه انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۸.

منابع عربی:

- ۱- ابن قدامه، موفق الدین ابن محمد احمد بن قدامه عبدالله بن قدامه، المغنی، ج ۸، قاهره، (۱۳۸۰).
- ۲- ابوالقاسم سید مرتضی الشریف، ملقب به علم الهدی، انتصار، چاپ سنگی دو جلدی مؤسسه نشر اسلامی، (۱۴۱۵).
- ۳- حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی، شرایع الاسلام، چهار جلدی، نجف، (۱۳۸۹)، چاپ اول.
- ۴- السنهوری، عبدالرازق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی مصر، نظریه الالتزام بوجه العام، مصادر الالتزام، جلد اول، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت لبنان، (۱۳۸۵).
- ۵- شیخ صدوق، ابی جعفر بن علی بن بابویه القمی، المقنه، صدوق و حارث سلیمان، المعجم القانوني، ج ۲، بوسیله نرم افزار المعجم الفقهي که در سال ۱۴۱۲ با جمع آوری بیش از ۳۰۰۰ کتب فقهی توسط مؤسسه ای به همین نام در قم تهیه شده است.
- ۶- شیخ مفید، ابی عبدالله احمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، فخرالشیعه معروف به شیخ مفید المقننه، قم، چاپ چهارم، (۱۴۱۷).
- ۷- الطوسی، (شیخ الطایفه) ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، معروف به شیخ طوسی، خلاف، سه جلدی چاپ سربی، قم.
- ۸- طباطبایی، سید محمد کاظم یزدی، عروه الوثقی، قم، جلد دوم، مکتب الوجدانی، (۱۴۰۰).
- ۹- العاملی، سید محمد جواد الحسین، مفتاح الکرامه، بی جا، جلد ۵ و ۶ و ۷، مؤسسه ال البيت، (۱۳۲۶).

- ۱۰- الکرکی، علی بن الحسین، معروف به محقق ثانی و محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چهار جلدی، العلامه بیروت، مؤسسه ال بیت، (۱۴۲۹).
- ۱۱- نجفی، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۳ جلدی، جلد ۲۷، دارلکتب اسلامیة، (۱۳۹۴).

مقالات:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام، مجله تحقیقات حقوقی، (۱۳۸۵)، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۸۵.
- ۲- تفرشی، محمدعسی، مرتضوی، عبدالحمید، مطالعه تطبیقی تعهد به وسیله و به نتیجه در فقه، حقوق فرانسه و ایران، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۸۸ شماره ۲.
- ۳- قاری، سید محمد سید فاطمی، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر، حق، متعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله دفاتر خدمات حقوق بین المللی، (۱۳۸۰).